مهدويت، آينده‌پژوهي و مهندسي فرهنگي

آموزه مهدويت را مي­توان کليدي‌ترين آموزه اسلامي دانست که عصاره تمامي ارزش‌هاي اسلامي را در خويش جمع کرده است. معرفت امام زمان معيار و شاخص اسلاميت از جاهليت است. به همين جهت است که در کلام زيباي امام باقر عليه السلام ولايت رکن و ستوني از دين است که چيزي همتاي آن وجود ندارد «لم يناد بشي کما نودي بالولايه».[1] چنين تأکيدي بر نقش امام به عنوان الگوي همواره پايدار و موجود و در دسترس تمامي آحاد امت اسلامي، مهدويت را در عصر حاضر از مفهومي انتزاعي- اعتقادي صرف خارج نموده و آن را به مثابه يک معيار زندگي عملي و آنچه که در عصر حاضر به «سبک زندگي» تعبير مي‌شود، در آورده است. اين امر همان انتظار پويا و فعال است که به تعبير امام سجاد عليه السلام، بزرگترين فرج‌هاست.[2]

شرايط کنوني جهاني نيز از منظري ديگر ضرورت‌هاي بازگشت به آموزه­هاي ديني را هر چه بيشتر فراهم کرده است. هر چند در اين آشفته بازار اديان دروغين و عرفان‌هاي غير وحياني چون عرفان سرخ پوستي، عرفان اوشو و بسياري ديگر رونق گرفته است، اما همگي هم چون سرابي هستند که قادر به سيراب کردن عطش انساني به معنويت نيستند. معنويتي که به فرموده قرآن کريم انسان تنها با ياد خداوند متعال به آرامش مي­رسد (أَلا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ).[3] مهدويت همان ياد و ذکر الهي است که آرامش بشر امروزي را مي­تواند تأمين کند.

مسأله مهم آن است که امروزه به چه شيوه­ و فرايندي بايد آينده را ساخت و زندگي‌هاي آشفته امروزي را سامان بخشيد؟ چنين نگاهي امروزه در قالب آينده‌شناسي و تلاش براي سازماندهي و تحقق بخشيدن به آرمان‌هاي آينده مطرح شده است و مراکز مختلف علمي و پژوهشي به تحقيق در باب آينده دست يازيده­اند. به تعبيري بهترين رويکرد به شناخت آينده تلاش براي ساختن آن است. آينده­پژوهي با اميد انسان به آينده­اي درخشان پيوند خورده و انسان را مسئول تلاش و پيگيري براي تحقق آن معرفي مي­کند. تعبير مبارک قرآني در معرفي انسان به عنوان مسئول تغييرات و تحولات زندگي خويش، همراه با وعده الهي در حاکميت صالحان، ظرفيت‌هاي مهمي را در عرصه آينده‌پژوهي پيش پاي انسان منتظر مهدي باور امروز قرار داده است.

البته تاکنون تمرکز مطالعاتي جدي در حوزه مطالعات ديني در باب آينده‌پژوهي صورت نگرفته است و شايسته است مراکز علمي- ديني بويژه مراکزي که به مطالعات مهدويت تمرکز يافته­اند با نگاهي جدي زمينه مطالعات آينده‌پژوهي را فراهم ساخته و الگوها و راهبردهاي جدي براي آينده دور و نزديک ارائه دهند.

خوشبختانه در چند سال اخير تأکيد مقام معظم رهبري بر «مهندسي فرهنگي» نيز ضرورت نگاه راهبردي به جامعه و فرهنگ را بيش از پيش فزوني بخشيده است. از نظر معظم له «يكي از مهمترين تكاليف ما در درجه اول مهندسي فرهنگ كشور است».[4] مهندسي فرهنگي را در جامعه اسلامي امروز نمي­توان بدون در نظر گرفتن بنيادي­ترين اعتقاد اسلامي، يعني مهدويت سامان داد. از اين جهت لازم است با رويکردي مجدد به مباحث مهدويت به پژوهش در آينده­اي بپردازيم که فرهنگ ما را به صورت کامل بر حول محور امامت سامان داده و افتخار جامعه و دولت زمينه­ساز را نصيب ما بگرداند. هر چند ما به عنوان يک مومن و ديندار معتقديم آينده از آن صالحان بوده و آنان وارثان روي زمين هستند، اما لازم است با نگاهي پويا و با الهام از آموزه «زمينه‌سازان ظهور» يا «موطّئون» در کلام مبارک نبوي صلي الله عليه و آله [5] اقدامي جدي براي فراهم سازي زمينه­هاي ظهور انجام دهيم.

سردبير

[1]. شيخ محمد کليني، كافي، ج 2، ص18.

[2]. شيخ صدوق، كمال‏الدين، ج1، ص 319.

[3]. رعد (13): 28.

[4]. مقام معظم رهبري، 1383.

[5]. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلي الله عليه و آله : «يَخْرُجُ أُنَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِئُونَ لِلْمَهْدِيِّ يَعْنِي سُلْطَانَه»‏. علامه مجلسي، بحار الانوار، ج 51، ص 87.